

Nouvelles Lettres Persanes

Lieu :

Maison de la Vie Associative et Citoyenne du 13^{ème}

11, rue Caillaux 75013 Paris Ligne 7 M° Maison Blanche

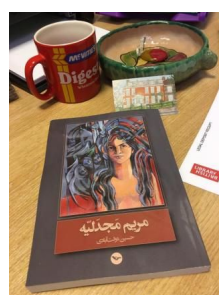
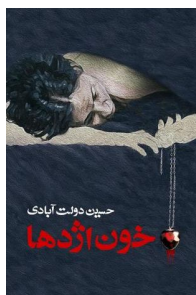
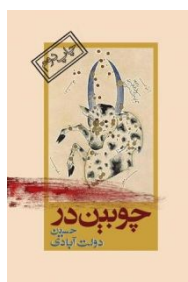
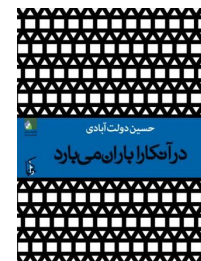
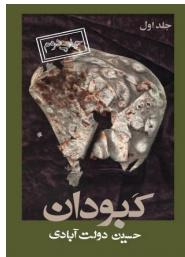
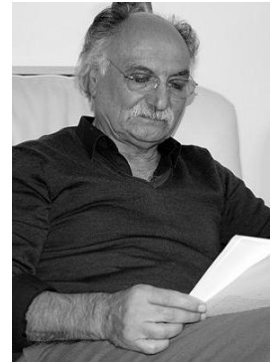
nouvelleslettrespersanes@orange.fr

06 82 97 94 69

سه شنبه بیست و ششم فوریه
دو هزار و توزهده ساعت نوزده

دیدار و گفتگو با حسین دولت آبادی

نویسنده



حسین دولت آبادی در سال ۱۳۲۶ در روستای دولت آباد، (ناحیه ۲ سبزواری) به دنیا آمد، دوران ابتدائی را در دبستان مسعود سعد روستای دولت آباد از سر گذراند و مانند سایر کودکان و نوجوانان روستائی کارهائی مانند وچین، خوشه چینی، درو، چالیزبانی، چوپانی، خرمنکوبی، کشت و کار و آبیاری و غیره... را تا نوجوانی تجربه کرد و در دکان سلمانی کربلائی عبدالرسول (پدر) با این حرفه نیز کم و بیش آشنا شد.

در سال ۱۳۴۰ برای ادامه تحصیل به شهر سبزواری رفت و در دبیرستان این یمین نام نویسی کرد. چندی بعد، در سال ۱۳۴۲ همراه خانواده اش به پایتخت مهاجرت کرد و در نتیجه تحصیلات دوره متوسطه او در نیمه سال دوم تحصیلی متوقف ماند. به محض ورود به پایتخت، همراه و همپای برادرهایش به کار نقاشی ساختمان پرداخت و برای ادامه تحصیل در کلاسهای شبانه خوارزمی نام نویسی کرد. در سال ۱۳۴۴ به استخدام نیروی هوایی در آمد، به مدت سه سال «درجه دار» بود و همزمان شبانه درس می خواند. بعد از کسب دیپلم طبیعی برای ورود به دانشکده خلبانی امتحانهای ابتدائی را از سر گذراند. در پایان آزمایشها با فرمانده درگیر شد و نزاع در نهایت منجر به فرار او ارتش گردید. در دوران فرار، بارها و بارها در جستجوی کار و امرار معاش به جنوب، شرق، شمال و مرکز ایران سفرها کرد و به حرفه قدیمی، یعنی نقاشی و سایرکارهای ساختمانی پرداخت. در دورانی که هنوز فراری ارتش بود، عاشق شد و در سن بیست و چهار سالگی ازدواج کرد، ثمره این ازدواج سه فرزند است به نام های ماریار، رکسانا و آناهیتا. چند ماه بعد از ازدواج، دو بار در دادگاه نظامی محاکمه و به جرم فرار از خدمت و توهین و تمرد محکوم، زندانی و از ارتش شاهنشاهی اخراج گردید. در زندانها و بازداشتگاه - های مختلف ارتش بیش پانصد صفحه یادداشت نوشت: (**طبل بزرگ زیر پای چپ**) که هنوز آنها را چاپ نکرده است. تجربه

فهرست آثار

- کبودان** «رُمان» انتشارات امیرکبیر، ایران، چاپ اول ۱۳۵۷
چاپ دوم، لندن، نشرمهری، 1395
خورشیدی
- قلمستان** «نمایشنامه» انتشارات ایران فردا، پاریس. 1367
خورشیدی
- آدم سنگی** «نمایشنامه» انتشارات ایران فردا، پاریس. 1368
خورشیدی
- ایستگاه باستیل** «مجموعه داستان» انتشارات افسانه، سوئد 1373
خورشیدی
- در آنکارا باران می بارد** «رمان» انتشارات عصر جدید، سوئد. 1375
خورشیدی
چاپ دوم، نشر ناکجا، پاریس 1392
خورشیدی
- گذار** «رُمان» در سه جلد:
1- **موریانه های قصر فیروزه** نشر نقطه پاریس (جلد اول ۱۳۸۲ خورشیدی)
- 2- **نفوس قصر جمشید** جلد دوم انتشارات فروغ آلمان، (۱۳۸۴ خورشیدی)
- 3- **زائران قصر دوران** جلد سوم انتشارات فروغ آلمان (۱۳۸۷ خورشیدی)
- چاپ دوم رمان، 1397
خورشیدی نشر مهری، لندن
- باد سرخ رُمان** چاپ اول (۱۳۸۸ خورشیدی) چاپ دوم 1395 خورشیدی لندن
- چوبین در** «رمان» انتشارات فروغ چاپ اول (۱۳۸۹ خورشیدی)
- چاپ دوم سال 1394 خورشیدی، نشر مهری، لندن
- زندان سکندر** (رمان، سه جلد 1393) نشر ناکجا، پاریس
- 1- **سوار کار پیاده** (جلد اول)
2- **جای پای مار** (جلد دوم)
3- **خانه شیطان** (جلد سوم)
- دارکوب** (رمان) نشر ناکجا 1395 پاریس
نشر مهری، انگلیس
- خون اژدها** (رمان) 2017 میلادی، نشر مهری، انگلیس
- مریم مجدلیه** (رمان)، نشر مهری، انگلیس
- ماه مجروح**، مجموعه آثار کمال رفعت صفائی،
به کوشش حسین دولت آبادی
- منتشر می شود:**

«کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» را در چند ماهی که در انتظار خبر کارگزینی در بلاتکلیفی به سر می برد از سر گذراند تا سرانجام در اداره آموزش و پرورش شهریار استخدام و در روستاهای آن ناحیه معلم شد. رمان **کبودان** را در این سالها نوشت و انتشارات امیرکبیر آن را در سال 1357 چاپ کرد. یک سال بعد از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ و را به جرم تبلیغ مرام و مسلک اشتراکی و همکاری با «گروهک های» ضد انقلاب و «تحریر کُتب ضاله» محاکمه، «پاکسازی» و از آموزش و پرورش اخراج کردند. در سال ۱۳۵۹ «کارگاه آهنتاب» را دایر کرد و به ساختن کابینت آشپزخانه و لوازم دفتری پرداخت. نمایشنامه **دیو باد** و فیلمنامه تلویزیونی **پائیز صحرا** و نمایشنامه **آدم سنگی** را در این سالها نوشت (نمایشنامه **گالباها، پرواز قمری، میرزاگاجی** و فیلمنامه **تبار** را نیز در این دوران نوشت. این آثار هنوز بازنگری و چاپ نشده اند.) حسین دولت آبادی در پی اختناق سیاسی و تهدید سپاه و بسیج در پائیز سال ۱۳۶۳ ناگزیر به فرار از ایران و جلا وطنی شد، نخست به ترکیه رفت و در مدتی که در آنکارا بود، سفرنامه‌ای به نام **نیش زنبور** (دوران) نوشت که هنوز آن را چاپ نکرده است. پس از دو ماه در ۲۴ دسامبر ۱۹۸۴ میلادی وارد فرانسه شد.

بعد از دوره های آموزشی زبان و آشنائی نسبی با محیط، دو سالی به پیستوله کاری و نقاشی ساختمان مشغول بود. در این سالها نمایشنامه **قلمستان** و رمان **در آنکارا باران می بارد** و مجموعه قصه **ایستگاه باستیل باران** نوشت. پس از دو سال پیستوله کاری بیمار شد، به دلیل بیماری ناشی از این شغل، بنا به دستور پزشککار از رنگپاشی معاف گردید و اداره کاریابی فرانسه یک دوره هیژده ماهه حسابداری را به او پیشنهاد کرد. دیپلم حسابداری را گرفت، ولی در این رشته شغلی نیافت و ناچار شوهر تاکسی شد. حسین دولت آبادی از سال 1994 تا سال 2008 میلادی به مدت شانزده سال در شهر پاریس و حومه به عنوان شوهر تاکسی رانندگی کرد. در این سالها رمان سه جلدی **گذار**، رمان **باد سرخ** و رمان **چوبین در** را نوشت و انتشارات نقطه در پاریس و انتشارات فروغ در آلمان آن‌ها را چاپ کردند. حسین دولت آبادی به دلیل سنگینی کار معیشتی و کار فرهنگی، یعنی رانندگی تاکسی روزی دوازده ساعت و شش روز در هفته، نویسندگی و مسؤلیت در کانون نویسندگان ایران «در تبعید» دوباره بیمار شد و ادامه رانندگی تاکسی برایش غیر ممکن گردید و در بهار سال 2008 میلادی به ناچار از این کار کناره گرفت و زودتر از موعد باز نشسته شد. در این سالها رمان **زندان سکندر** (سه جلد) و رمان **دارکوب**، رمان **خون اژدها**، رمان **مریم مجدلیه** را نوشت که نشر ناکجا و نشر مهری به ترتیب آن‌ها را چاپ کردند. کتاب **سفر به ریشه های نیشکر** نیز حاصل کار سالهای اخیر اوست که تا به امروز دو جلد آن به پایان رسیده است.

حسین دولت آبادی در این سالها با نشریات خارج از کشور همکاری داشته و بیش از چهل مقاله در زمینه‌های مختلف هنری و فرهنگی نوشته است. از اینهمه کتابی فراهم آمده به نام **نگاه سیاره** که آماده چاپ است. حسین دولت آبادی از سال 1989 عضو کانون نویسندگان ایران «در تبعید» است و در این مدت، چند دوره مسؤلیت دبیری «کانون» را نیز به عهده داشته است.

نگاه سیاره (مجموعه مقالات)
سفر به ریشه های نیشکر